

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه
استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1399/03/17



موضوع: كتاب الطهارة/أحكام النفاس /مساله 2 و 3 و 4 از مسائل مربوط به مرأة نفساء

مسالة دوم 2 از مسائل مربوط به مرأة نفساء

مسالة 2: إذا انقطع دمها على العشرة أو قبلها فكل ما رأته نفاس، سواء رأته تمام العشرة أو البعض الأول أو البعض الأخير أو الوسط أو الطرفين أو يوماً ويوماً لا، وفي الطهر المتخلل بين الدم تحتاط بالجمع بين أعمال النفاس والطاهر، ولا فرق في ذلك بين ذات العادة العشرة أو أقل وغير ذات العادة، وإن لم تر دمًا في العشرة فلا نفاس لها، وإن رأته في العشرة وتجاوزها فإن كانت ذات عادة في الحيض أخذت بعادتها. سواء كانت عشرة أو أقل. وعملت بعدها عمل المستحاضة وإن كان الأحوط الجمع إلى الثمانية عشر كما مر، وإن لم تكن ذات عادة كالمبتدئة والمضطربة فنفسها عشرة أيام وتعمل بعدها عمل المستحاضة مع استحباب الاحتياط المذكور.^[1] سيد طباطبائي يزدی قدس الله نفسه الزكية میفرماید: وإن لم تر دمًا في العشرة فلا نفاس لها؛ این مطلب که اگر زن نفاس در بین ده روز اول دم و خونی نبیند نفاس برایش محقق نمی‌شود.

اگر اشکالی بشود که نفاس همان ولادت هست بعد از ولادت باید نفاس حکمش محقق بشود جواب این است که موضوع نفاس مرکب است از ولادت و جریان دم، و رؤیت دم، اگر رؤیت دم در کار نبود، جزء الموضوع محقق نشده است و قاعده‌ی کلی این است که هر کجا برای یک حکمی دو جزء به عنوان موضوع شرعاً تعیین بشود یک جزئش اگر ساقط، یا از بین

و منتفی بشود موضوع محقق نیست. موضوع که محقق نبود طالبه به اصطلاح شما، منتفی به انتفاع موضوع هست. وإن لم تر دمًا في العشرة فلا نفاس لها؛ هر مسئله‌اش فروعی دارد و این یک فرع،

اگر دم نفاس بیشتر از 10 روز بود ایام عادت حساب کند

و فرع دیگر وإن لم تر دمًا في العشرة فلا نفاس لها، وإن رأت في العشرة وتجاوزها فإن كانت ذات عادة في الحيض اخذت بعادتها این فرع دوم؛ اگر در ده روز رویت دم داشته باشد وتجاوزها باشد وتجاوزها از آن عشره، بیشتر شد و تجاوز کرد در این صورت فإن كانت ذات عادة في الحيض اخذت بعادتها - سواء كانت عشرة او أقل -، فرض این مسئله اینطوری است که اگر خون را ببیند وإن رأت في العشرة، معنایش این نیست که ده روز کامل دیده در ده روز دیده فرض کنید در آخرهای ده روز دیده و بعد از آن ده روز تجاوز کرده است حال باید چه کند؟ آن قسمتی که در ده روز نفاس بود، و این چند روزی که تجاوز از آن ده روز کرده است، همه را حیض بگیرد و همه را نفاس بگیرد، یک وضعیت نابسامانی است گفته می‌شود که اگر در ده روز وإن رأت في العشرة، و تجاوز کرد آنگاه به عادت مراجعه کند ببیند عادت حیضش چقدر بوده اگر سه روز در عشره نفاسی دید و چهار روز بعد از آن دید، و عادت حیضش هم هفت روز بود سه روز از آن داخل دهه‌ی نفاس، چهار روز از محل بعد از آن، مجموعاً بشود هفت روز، منظور از این كانت ذات عادة في الحيض اخذت بعادتها، چرا این اخذت به عادت‌ها برای اینکه در نصوصمان می‌بینیم که می‌فرماید: وعن المفيد، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد ابن محمد بن عيسى، عن محمد بن عمرو، عن يونس قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن امرأة ولدت فرأت الدم أكثر مما كانت ترى، قال فلتتعد أيام قرئها التي كانت تجلس ثم تستظهر بعشرة أيام، فإن رأت دمًا صبيبا فلتغتسل عند وقت كل صلاة، فإن رأت صفرة فلتتوضأ ثم لتصل قال الشيخ: يعني تستظهر إلى عشرة أيام. [2] سوال می‌شود از زنی که ولادتی داشته است، ولی دم نفاس فرأت الدم أكثر مما كانت ترى، از ده روز بیشتر شد، ایام عادت را بگیرد الان که زیاد شده، تطبیق نمی‌تواند ایام عادت را بگیرد، ایام عادت‌ش هر قدر بود به همان عمل کند. قال فلتتعد أيام قرئها التي كانت تجلس ثم تستظهر بعشرة أيام، فإن رأت دمًا صبيبا فلتغتسل عند وقت كل صلاة، فإن رأت صفرة فلتتوضأ ثم لتصل قال الشيخ: يعني تستظهر إلى عشرة أيام. متن روایت دیگر: محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بكير، عن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تقعد النفساء أيامها التي كانت تقعد في الحيض وتستظهر بيومين. [3] صحیحی معتبره زرارہ هست، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تقعد النفساء أيامها التي كانت تقعد في الحيض وتستظهر بيومين يعني نفاس همان ایام عادت‌ی که در حیض باید قروء داشته باشد یعنی احکام را مترتب بکند و نماز بخواند و سایر احکام، همان احکام را جاری کند درباره‌ی نفاس، این یک نکته.

نکته‌ی دیگر هم که در بحث قبلی هم داشتیم که النفاس حیض محتبس، بنابراین اگر نفاس یک همچین حالتی داشت که از ده روز تجاوز کرد، دو سه روزی در داخل ده روز بود و بقیه‌اش در خارج ده روز ایام عادت را در نظر بگیرد بر اساس این نص خاص و بر اساس آن

مطلب تنظيم كه نفاس را به حيض تنظيم كرده در روايت. اين درباره‌ي ذات العاده بود. مي‌فرمايد كه فإن كانت ذات عادة في الحيض اخذت بعادتها - سواء كانت عشرة او أقل - وعملت بعدها عمل المستحاضة. عمل مستحاضه انجام داده ديگر در اين وضعيت معيار عادت است؛ چرا؟ 1. نصوص، 2. قاعده‌ي امكان، كه اينجا امكان حيض وجود دارد و بعد هم قدر متيقن هم اين است. بر اساس اين سه وجه اين كار را بايد انجام بدهد. و مي‌فرمايد كه وإن كان الأحوط الجمع إلى الثمانية عشر كما مر. هر چند احتياط همان است كه گفتيم احتياط مستحبي برگرفته از نصوص، احوط را اينجا ايشان بسيار به وجه خوبي اعلام فرموده‌اند كه وإن كان الأحوط الجمع إلى الثمانية عشر كما مر، يعني جمع بين اعمال مستحاضه و اعمال حيض، يك اشكالي اينجا داشتيم، گفتيم اگر عزيمت باشد كار مشكل مي‌شود رجاء بخواند نماز هم رجاء بخواند. بنابر اين جمع بكند بين اعمال و اجتناب از استنطاق بكند و قضا هم ندارد. وإن لم تكن ذات عادة كالمبتدئة والمضطربة فنفاستها عشرة أيام. اگر مبتدئه و مضطربه ولادت كند، طبيعتاً نفاسش ده روز است بر اساس نصوص نفاس، 2. قدر متيقن، كه قدر متيقن مجمع عليه هم گفته مي‌شود. و اين معلوم است خلافي هم در آن نيست. يك چيزي هم سيد الحكيم هم اعلام مي‌كند كه قاعده‌ي امكان، قاعده‌ي امكان خوب است ولي اشكالي به ذهن مي‌آيد كه خيلي روشن است. اشكال اين است كه قاعده‌ي امكان مربوط به حيض است. حيض المحتبس ولي اگر از اين باب بگيريم نيازي به قاعده‌ي امكان نداريم. ولي اگر هم قاعده‌ي امكان را بگيريم وجهي دارد. [4] كه سيد فرموده است وتعمل بعدها عمل المستحاضة مع استحباب الاحتياط المذكور و بعد از ده روز، تا ده روز را نفاس مي‌گيرد بعد از ده روز اگر ادامه پيدا كرد عمل مي‌كند به معايير و احكام مستحاضه كه همان وضعيتي كه داشت، مع الاستحباب الاحتياط المذكور با احتياط مستقيم كه جمع بين عمليين بكند، عمدتري جمع در اين قسمت اجتناب از محرمات حيض است مثل مسجد رفتن و خواندن عزائم و استمداد، عمده‌اش اين است. جمع بكند بين اعمال مستحاضه و اعمال حيض.

مسألة سوم از مسائل مربوط به مرأة نفساء

مسألة ۳ : صاحبة العادة إذا لم تر في العادة أصلاً ورأت بعدها وتجاوز العشرة لا نفاس لها * على الأقوى ، وإن كان الأحوط الجمع إلى العشرة بل إلى الثمانية عشر مع الاستمرار إليها ، وإن رأت بعض العادة ولم تر البعض من الطرف الأول وتجاوز العشرة أتمها بما بعدها إلى العشرة دون ما بعدها ، فلو كان عاداتها سبعة ولم تر إلى اليوم الثامن فلا نفاس لها ، وإن لم تر اليوم الأول جعلت الثامن أيضاً نفاساً ، وإن لم تر اليوم الثاني أيضاً فنفاستها إلى التاسع ، وإن لم تر إلى الرابع أو الخامس أو السادس فنفاستها إلى العشرة ، ولا تأخذ التتمة من الحادي عشر فصاعداً ، لكن الأحوط الجمع فيما بعد العادة إلى العشرة بل إلى الثمانية عشر مع الاستمرار إليها. [5]

سيد طباطبائي يزدی مي‌فرمايد كه صاحب عادت است ولي ولادت كرده، صاحبة العادة إذا لم تر في العادة أصلاً فرض كنيد عادتش هفت روز بود در عادت چيزي نديد، ورأت بعدها و بعد از آن ايام عادت رويت دم داشت ورأت بعدها وتجاوز العشرة، و اين دم تجاوز كرد از ده روز،

می‌فرماید و تجاوز العشرة لا نفاس لها على الأقوى ، نفاسی نیست برای چنین صاحب العاده‌ای على الأقوى ، بعضی از فقها فرموده‌اند که این نفاس است، متن می‌فرماید که نفاس نیست. اما قولى که گفته می‌شود باید نفاس باشد برای این است که فرض این است ولادت شده است رؤیت دم هم در داخل عشره صورت گرفته باید نفاس حساب بیاید و عرف هم این را می‌گوید. عرف متشرعه هم این را می‌گوید که باید نفاس باشد و اشکالی نیست. اما متن می‌فرماید که نفاس نیست این کار را مشکل می‌کند. عمده‌ترین دلیلی که در جهت اثبات حکم متن می‌توان گفت این است که اگر نفاس با ده روز منطبق نبود در داخل ده روز از ابتدا تا انتها نبود یا منقطع هم بود عیبی ندارد نفاس است که گفتیم اما اگر این زن نفساء صاحب عادت باشد عادتش مثلاً فرض کنید هفت روز است در این هفت روز تمام ندید، نصوص می‌فرمود که نفسا عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تقعد النفساء أيامها التي كانت تقعد في الحيض وتستظهر بيومين، نفاسش را تطبیق بدهد به ایام عادتش، ایام عادت رؤیت دم نداشت پس حیض نبود و پس از آنکه تطبیق هم دادیم طبق قاعده نفاس هم نباید باشد چون نفاس بر اساس نصوص باید تطبیق داده بشود به ایام عادت، تطبیق داده شد رویت دم نبود حیض که نبود نفاس هم على الأقوى نیست. همینکه على الأقوى می‌گوید یعنی آن طرفی که الان فتوا آمده است بر نفاس یک قول نسبتاً قوی آنجا هم هست الأقوى اسم تفضیل در برابر غنی هست آن طرف هم یک قول دیگری هست.

می‌فرماید وإن كان الأحوط الجمع إلى العشرة اگر چنین اتفاقی بیفتد احوط این است در متن آمده است احوط استحبابی، و فهم بعضی از ضعفای تاریخ معاصر این است که وإن كان الأحوط الجمع إلى العشرة، چون مسئله نفاس در داخل عشره هست. بل إلى الثمانية عشر مع الاستمرار إليها می‌شود احوط وجوبی، بل إلى الثمانية عشر مع الاستمرار إليها، احوط استحبابی است که در بحث جمع بین روایات گفتیم که روایات الثمانية عشر ، على الاقل معرض عنه المشهور هست و توجیهاتی هم وجود داشت که تکرار نکنیم. ، وإن رأت بعض العادة ولم تر البعض من الطرف الأول وتجاوز العشرة أتمها بما بعدها إلى العشرة دون ما بعدها ؛ قاعدهی حیض که معلوم است دو روز اول را دیده و دیگر ندیده، اینجا قاعدهی حیض جاری می‌شود که اگر ابتداء حیض یعنی سه روز مستمر صورت گرفت، تا انتهای عادت حکم به حیض جاری می‌شود و در اینجا اشکالی نیست تا ده روز که انتهای مدت حیض است طبق قاعدهی حیض عمل می‌کند و مطلب تمام. دون ما بعدها ، بعد از عشره دیگر حکمی ندارد. مثلاً فلو كان عادتها سبعة ولم تر إلى اليوم الثامن فلا نفاس لها ، اگر عادتش هفت روز است و رؤیت دم نداشته تا روز هشتم، این مثال برای همان مطلب قبلی بود که گفتیم، مثال‌ها را الان کامل می‌کنیم لف نشر غير مرتب، لف نشر مرتب نیست. وإن لم تر اليوم الأول جعلت الثامن أيضاً نفاساً و اگر روز اول رؤیت دم نداشته است روز هشتم را نفاس قرار بدهد سرش این بود که اینجا عادت نیامده، اینجا قاعدهی حیض نیست اینجا قاعدهی نفاس هست در ایام نفاس ده روز نفاس عادت در کار نیست. روز اول ندیده، اگر فقط روز دهم را ببیند روز دهمش هم نفاس است الان روز هشتم را دیده حکم به نفاس می‌شود و دیگر عادت در کار نبود. وإن لم تر اليوم الأول جعلت الثامن أيضاً نفاساً وإن لم تر اليوم الثاني أيضاً فنفساها إلى التاسع ، وإن لم تر إلى الرابع أو الخامس أو السادس

نفاسها إلى العشرة ، تا چهارم و پنجم و ششم ندید کلاً نفاسش تا ده روز است یعنی از ده روز دیگر بیشتر نمی‌شود اینطوری نیست که تا روز چهارم ندیده بعد از چهارم که شروع کرد استمرار پیدا کرد از ده روز نفاس گذشت چهار روز دیگر هم اضافه کند چهار روز دیگر هم اضافه بکند چهار روزی که ندیده ده روز بشود ده روز که نفاس هست از حین ولادت تا ده روز است ولادت و رؤیت دم، نه اینکه رویت دم تا چهار روز نبوده آن هیچ، از چهار روز که شروع شده چهار روز دیگر بعد از ده بگیرد تا ده روز را کامل کند. اینطور نیست. چون نفاس در ایام ولادت است و بعد از ولادت و با رؤیت دم، ده روز، اگر قطعه قطعه هم ببیند در ده روز نفاس است در صورتی که صاحب عادت نباشد. بعد می‌فرماید: لكن الأحوط الجمع فيما بعد العادة إلى العشرة بل إلى الثمانية عشر مع الاستمرار إليها؛ همان حرفی که قبلاً گفتیم أحوط این است که تا ده روز جمع بین اعمال مستحاضه داشته باشد و اعمال نفاس، بلکه تا هجده روز هم همین کار را ادامه بدهد این مسائلی بود که راحت و روشن و واضح درش بحثی هم نبود، سید فقط این مقدار که وقت شما را گرفتیم مثال را توضیح داد برای ما و الی مطلب، کلی مطلب این است که در مثل نفاس تا ده روز، تمام ده روز را خون ببیند یا بعضی از آن ده روز را خون ببیند بر اساس قاعده‌ی امکان که سیدالحکیم فرمود، و بر اساس فهم عرف متشرعه که شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه می‌فرماید بر اساس نصوص تنظیر بین این دو مورد ده روز مسئله‌اش حل می‌شود اما احتیاط مستحبی تا 18 روز بر اساس آن نصوصی که گفتیم، احتیاط مستحبی است ولیکن از لحاظ أدله و نصوص و اجماع، همان ده روز است در نفاسی که ذات العادة نباشد. [6] [7]

مسألة چهارم از مسائل مربوط به مرأة نفساء

مسألة ٤ : اعتبر مشهور العلماء فصل أقل الطهر بين الحيض المتقدم والنفاس ، وكذا بين النفاس والحيض المتأخر ، فلا يحكم بحيضية الدم السابق على الولادة وإن كان بصفة الحيض أو في أيام العادة إذا لم يفصل بينه وبين النفاس عشرة أيام وكذا في الدم المتأخر ، والأقوى عدم اعتباره في الحيض المتقدم كما مر نعم لا يبعد ذلك في الحيض المتأخر لكن الأحوط مراعاة الاحتياط. [8] آنچه مسلم است بین حیضتین ده روز حداقل طهر باید فاصله باشد نصاً و إجماعاً و قاعدتاً، اما نصّاً که نصوص باب حیض را دیدیم که ده روز باید بین حیضتین طهر باید فاصله باشد. اما اجماعاً که در این رابطه هیچ خلافی وجود ندارد حتی می‌توانیم اجماع محقق اعلام بکنیم. تا اینجا مسئله، اما قاعدتاً که قاعده‌ی امکان در صورت عدم فاصله‌ی ده روز زمینه ندارد. قاعده‌ی امکان وقتی است که بین حیضتین ده روز فاصله بشود. اگر ده روز فاصله نبود قاعده‌ی امکان جا ندارد و حمل به حیض نمی‌شود. بیش از ده روز می‌رود در وادی استحاضه. حکم مشهور می‌گوید بین حیض و نفاس، و بین حیض متأخر از نفاس، باید ده روز فاصله باشد، چون 1. قاعده‌ی فاصله‌ی اهل طهر بین حیضتین شامل اینجا هم می‌شود چون نفاس حیض المحتبس، همان ده روز قید نفاس و حیض هم باید فاصله باشد فرقی نمی‌کند حیض متقدم از نفاس باشد یا متأخر از نفاس باشد. بنابراین این حرف را مشهور گفته‌اند ولیکن در این رابطه متأسفانه نصّی نداریم. نصّی که در اختیارمان نداریم أقوى و سید می‌فرماید که این فاصله‌ی ده روز بین حیض متقدم و نفاس لازم نیست و بین حیض متأخر و نفاس والأقوى عدم اعتباره في الحيض المتقدم كما مر. بین حیض

متقدم و نفاس فاصله‌ی ده روز شاید نیست. پنج روز قبل حیض بوده الان نفاس می‌شود لازم نیست یک فاصله‌ای باشد ما بگوییم این دیگر الان نفاس نیست یا آن قبلی حیض نبوده این فاصله شرط نیست. بعید نیست که نسبت به حیض متأخر این فاصله رعایت بشود که نفاسی که آمده است ده روزش کامل شده اگر رؤیت دم دارد و به عادتش تطبیق می‌کند حیض متأخر می‌شود در این وسط این دو کار، نفاس و حیض متأخر فاصله‌ی ده روز بعید نیست که لازم باشد. چون امکانش هست و نفاس هم ده روزش کامل شده و آن اقلّ طور هم باید در این وسط قرار بگیرد. وقت تمام شده است.

سلامتی اقا امام زمان صلوات ختم کنید.

-
- [1] العروة الوثقی، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 271.
- [2] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج 2، ص 612، أبواب النفاس. بآبان أكثر النفاس عشرة أيام وأنه يجب رجوع النفساء إلى عادتها في الحيض أو النفاس والا فإلى عادة نسائها، و يستحب لها الاستظهار كالحائض ثم تعمل عمل المستحاضة، باب 3، ح 3، ط الإسلامية.
- [3] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج 2، ص 612، أبواب النفاس. بآبان أكثر النفاس عشرة أيام وأنه يجب رجوع النفساء إلى عادتها في الحيض أو النفاس والا فإلى عادة نسائها، و يستحب لها الاستظهار كالحائض ثم تعمل عمل المستحاضة، باب 3، ح 5، ط الإسلامية.
- [4] مستمسك العروة الوثقی، الحكيم، السيد محسن، ج 3، ص 448.. تا ص 450
- [5] العروة الوثقی، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 271.
- [6] كتاب الطهارة، الشیخ مرتضى الأنصاري، ج 4، ص 154.
- [7] كتاب الطهارة، الشیخ مرتضى الأنصاري، ج 4، ص 368.
- [8] العروة الوثقی، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 272.